



■ آیت الله سید علی شفیعی *

نبوغ و فرزانیگی آیت الله العظمی شهید صدر...

باید کرد.

از حسن تصادف، روزی در مدرسه مان (مدرسه بزرگ مرحوم آیت الله بروجردی، جنب بازار بزرگ نجف) به دیدن یکی از روحانیون استان خودمان (خوزستان) که به نجف آمده و در این مدرسه حجره گرفته بود، رفتم که متوجه شدم مرحوم شهید صدر با یکی دو نفر دیگر از محترمین حوزه به دیدن روحانی مشارالیه آمده اند. موقعیت بسیار مغتنم بود. لختی در آنجا ماندم و هر چند، احساس کوچکی و غریبی به من دست داده بود، اما توانستم از محضر پر فیض آن قدیس الهی و از دیدار روح افزای وی بهره ببرم و چه بسا در این فرصت کوتاه توانستم خود را به عنوان یک طلبه نیم آشنا در حافظه و در ذهن شیدای شهید صدر جای بدهم و بعضی از مسائل و لطایف ایشان را در آن محفل، برای همیشه به عنوان یادگاری از آن بزرگوار، به حافظه خود بسپارم.

آن فقیه سعید شهید، چنان که آن روز دیدم (و بعدها بیشتر تبیین و تثبیت شد)، شخصیتی بود متواضع با حسن خلق، ملاحظت و محبت آشکار و پذیرای مزاحها و لطیفه های جالب و معقول همراه با متانت و وقار و با همه کس و حتی با ناآشنایان، در نخستین برخورد به گونه ای رفتار و ابراز انس و الفت می کرد که گویی مدت ها است با او سابقه آشنایی و معارفه دارد و این خود نکته ای اخلاقی و ارزشمند است که اثرات مثبت و مفید آن در روحیه طرف مقابل بسیار ملموس و محسوس و

در سال ۱۳۳۹ شمسی که به منظور ادامه و تکمیل تحصیلات حوزوی وارد نجف اشرف شدم و با اشتیاق و شور خاصی پیرامون مراجع عظام تقلید در آن دیار مقدس به فحوص و پژوهش پرداختم. فقهای عظام، اساتید و مدرسان، درسها و حوزه های درسی آنان، افکار و آراء تلامذه و اصحاب، حتی زمان و مکان و بحث مورد تدریس و ...

از این رهگذر اطلاع یافتیم که در میان اعلام و اساتید بارز حوزه کهن نجف اشرف، مجتهد جوانی با عمری حدود ۳۲ سال، درس خارج فقه و اصول دارد و نامش سید محمدباقر صدر و از خاندان اصیل و ریشه دار سادات صدرالدین عراق (کاظمین) است. وی چنین به من شناسانیده شد که فردی است بارز و مبرز، پر استعداد و با نبوغ، شایسته و کامل و دارای حوزه درسی مفید و تحقیقی و با آنکه خود فارغ التحصیل مکتب و مدرسه علمی آیت الله العظمی خوئی است، لکن در درس خود مطالب و نظرات استاد بزرگوار خود را به نقد می کشاند و حتی بر آنها احیاناً ایراد می کند که: یرد علی ما افاده، اولاً و ثانیاً و ثالثاً و رابعاً. با این اوصاف و احوال غایباً به او دل بسیم و نادیده شیفته اش شدم. استادی چنین جوان و سرشار از استعداد و ابتکار و محبوبیت و شهرت علمی و معنوی؟

در نخستین سفرم به ایران و اهواز که دو سه ماه به طول انجامید، وجود این محقق ممتاز و استاد برجسته را برای برخی از دوستان توصیف می کردم و از همین نقل و شرح هم لذت می بردم و آنان نیز از وجود چنین فردی در حوزه های علمی و قدیمی تجلیلی، تقدیر و تحسین می کردند.

□ □ □

گاهی آیت الله سید محمدباقر صدر را در مسیر و هنگام عبور، مثلاً در صحن مطهر علوی (ع) می دیدم و با سلام به او عرض ارادت می کردم و پس از عبور به وی خیره می شدم و تا پاسی او را نظاره می کردم و این در حقیقت او بود که با جذبیه های خود، مرا و نگاههای مرا به سوی خویش می کشاند. لکن اینها هیچکدام برای فرو نشاندن عطش من کافی نبود. زیرا از سویی اختلاف سن میان او و اینجانب (من ۲۰ ساله و ایشان ۳۲ ساله) و از سوی دیگر اختلاف فاحش در مراتب دروس حوزوی ایشان و من (او استاد محقق و بارع درس خارج فقه و اصول در حوزه نجف بود و من یک طلبه بودم که هنوز دوره کامل سطوح عالی فقه و اصول را به اتمام نرسانیده بودم) و برخی جهات دیگر، ما را از یکدیگر جدا نگه می داشت. می بایست این مانع به گونه ای مرتفع می شد تا من می توانستم با او آشنا و از زلال فیض علم و عمل وی برخوردار شوم که، «در دل دوست به هر حیل رهی

ماندگار و از هر درس لفظی و توجیهی مؤثرتر و راسخ تر است.

□ □ □

هنگامی که پس از گذراندن سطوح عالی (کتاب شیخ انصاری و محقق خراسانی) به درس خارج از اصول استاد اعظم آیت الله العظمی خوبی (قدس سره، دوره ششم اصول استاد) حاضر شدم، طبعاً برخی از ابهامات و سئوالات خود را از فضلاء تلامذه استاد می پرسیدم و پاسخ می گرفتم و چون به تدریج ایرادات و نقدهایی به ذهنم خطور می کردند که نمی دانستم آیا واقعاً اشکالند و مایه علمی دارند و یا در اثر نرسیدن به مراد و مقصود استاد معظم، اشکال در وجود خود من است؛ لہذا دو نفر از اعظم تلامذه استاد را برای طرح سئوالات و رفع اشکالات خود انتخاب کردم که یکی از آن دو، مرحوم شهید صدر (رضی الله) بود که در واقع انگیزه اصلی من بر خوراری از مجالست و مؤانست و استفاده از تفقدها و ملاحظتها و بهره یابی از قیافه ملکوتی وی بود.

به خاطر دارم نخستین مورد شبی از دهه عاشورا بود که در مجلس سوگواری حضرت حسین بن علی (ع) در صحن مقبره مرحوم علامه مامقانی (که در زمانهای بد ظاهر شهید صدر در آن ساختمان به صورت مستمر مستقر شده بود) خدمت ایشان رسیدم و در کنار معظم له نشستیم و به محضرش عرضه داشتم که حضرت استاد (خوبی) در مبحث چگونگی تصحیح شرط متأخر، سخنی از صاحب فصول بدین گونه نقل و آنرا نقد می فرمایند:

«واعجب من ذلک ما قبل فی المقام من انه لامانع من تأخر الشرط فان المانع انما هو فی مورد یكون الشیئی بنفسه شرطاً ثم يتأخر عن المشروط فیثبت المحذور واما اذا كان بوصف تأخره شرطاً فلا مانع اذا شرط لم يتأخر بل المتأخر هو الشرط»

سپس استاد می فرمایند: «و هذا الکلام فی اقصی المراحل من الغرابه اذ بعد فرض ان الشرط من اجزاء العله یكون المعنی ان المعدوم بوصف انه معدوم عله و هذا کماترئی کله محذور فان المعدول انما یرشح من العله فکیف یمكن وجود الاثر مع ان المؤثر لم یوجد بعد. و لیس معنی قوله ان المتأخر بوصف بوصف تأخره شرط موی ان المعدوم بوصف العدمه عله و هذا غیر معقول». لکن در چند درس بعد از این، کلماتی دارند که استشمام پذیرش کلام مذکور از آن می شود و مثالهایی از عرف و حتی فروعی از فقه را مطرح می کنند و آنها را بر اساس سخن صاحب فصول تصحیح می نمایند و چنین می فرمایند:

«فالحصه الخاصه تتخصص لہذا الامر المتأخر المفروض وجوده

گاهی آیت الله سید محمدباقر صدر را در مسیر و هنگام عبور، مثلاً در صحن مطهر علوی (ع) می دیدم و با سلام به او عرض ارادت می کردم و پس از عبور به وی خیره می شدم و تا پاسی او را نظاره می کردم و این در حقیقت او بود که با جذبیه های خود، مرا و نگاههای مرا به سوی خویش می کشاند.



اخلاق، تقوی، سیاست و مبارزه، بر روی مردم گشود.

□ □ □

علامه شهید آیت‌الله العظمی سید محمد باقر صدر (ره) بی‌هیچ تردید، یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان، متفکران و نوابع صاحب مدرسه و مکتب در عصر اخیر است. سواى رهبری فکری و روحانی و زعامت اسلامی و انقلابی آن فقیه شهید، اصولاً ابتکارات، نوآوریها، خلاقیتها و ابداعاتی که نه تنها در فقه و اصول که در فلسفه عمومی و اسلامی، کلام، تفسیر، تاریخ، اخلاق، جامعه‌شناسی و دیگر علوم زنده حوزوی و غیر حوزوی، بر همگان محرز و روشن است.

آن بزرگمرد، گذشته از تربیت و تحویل فارغ التحصیلان مدرس علمی خود که امروز همه از فرزانتان فقیه و فقهای فرهیخته و نواندیش و علمای صاحب‌نظر و رهبران راه علم و دین و از ارزشمندترین باقیات الصالحات‌وی هستند که شمارش آنان در این مقال کار آسانی نیست؛ آثار علمی بسیار محققانه، بل مبتکرانه و کم‌نظیر (اگر نگوئیم بی‌نظیر) و تألیفات و تصنیفات سرشار از تحقیق و نوآوری و نواندیشی در تمام علوم اسلامی دارد که هر کدام بارها چاپ و منتشر و به زبانهای گوناگون ترجمه شده، تمام کتابخانه‌های شخصی و عمومی را مزین و آراسته کرده و بسیاری از افکار را در گروگان و بینشها را متحول ساخته اند. گذشته از سیرت و روش مؤکد اسلامی که در وجود او مجسم و مجسد بود؛ وی یک پیکره علم و تقوی و اسلام متحرک و پویانده بود، به گونه‌ای که هر گوشه جزئی از اعمال و رفتار وی حاکی از دستوری دینی و برنامه‌ای مذهبی بود. گذشته از این مقامات، زهد، ورع، قناعت، بی‌اعتنایی به دنیا، ساده زیستی، اخلاق و ملکات فاضله، سجایای حسنه، عبادتها، مناجاتها، تقید به اذکار و اعمال شرعی و دیگر حسنات در وی به گونه‌ای بود که در قلیل

نه تنها مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم (قدس سره) که عموم مراجع عظام تقلید و اساتید و مدرسان و فضلا و علماء و در یک کلمه حوزه نجف اشرف و دیگر حوزه‌های علمی در کربلا، کاظمین و سامرا و دیگر شهرستانها و استانهای عراق که روحانیون و اعلام آنها فارغ التحصیلان حوزه نجف و به حکم پیوندهای مذهبی، معنوی و علمی با آن حوزه و آن آستانه مقدسه در ارتباط مستمر و مستحکم بودند، مرحوم شهید صدر و خاندان اصیل و ریشه‌دار او را می‌شناختند و خود وی را نیز به علم، تقوی، اخلاق، نبوغ و استعداد فراوان و برجستگیهای فکری و علمی پذیرفته بودند.

از همه بهتر و بیشتر، استاد بزرگوار و عظیم الشان وی مرحوم آیت‌الله العظمی خوبی (قدس سره) بود که تماس و ارتباط مستمر و مؤکد با شهید صدر داشت و به حق، او را پاره تن و فرزند علمی خود می‌دانست؛ مقامات حال و آینده آن تلمیذ محقق را ارج می‌نهاد و پاس می‌داشت و در برخی از تعبیرات خود، در مناسبتهای گوناگون، از وی به عنوان «بهترین» و یا «یکی از بهترین تلامذه و اصحاب درس» خود یاد می‌کرد و این تجلیل و تعظیم تا آخر عمر کوتاه شهید صدر و تا پایان عمر پر برکت آیت‌الله خوبی ادامه داشت. حتی در مقطعی از زمان حیات مبارک هر دو، برخی از دشمنان و یا دوستان که خواستند با تمهیداتی این رابطه مقدس را مخدوش و یا متلاشی کنند؛ مرحوم شهید در پاسخ به نامه‌ای که در این موضوع به محضرشان نگاشته شد؛ این شایعه را تکذیب و بر ارادت و علاقه خود را به استاد تأکید کرد و با عباراتی از قبیل «پدر و فرزند» و «استاد و تلمیذ» روابط فیما بین را به اعلان و بدین وسیله، نقشه دشمنان را نقش بر آب کرد. (صورت آن مکاتبه و پاسخ کتبی شهید صدر در ضمن حالات مرحوم شهید صدر چاپ شده است.)

پس از شروع مبارزات شهید صدر و انتشار آوازه وی که موجب احساس

خطر جدی برای آن شهید شد؛ مرحوم آیت‌الله خوبی به منظور ایجاد مصونیت قانونی و حفظ جان علامه صدر، دو پیشنهاد مؤکد را به وی ارائه کردند تا با قبول آنها و یا یکی از آنها، جایگاه و موقعیت علمی و روحانی شهید صدر تثبیت شود. یکی پذیرش امامت و اقامت جماعت در یکی از اماکن و مساجد نجف و دیگری چاپ رساله عملیه بود؛ به خصوص اینکه از همان اوان، جمع کثیری از شیعیان شهرهای عراق، به خصوص قشر جوان و تحصیلکرده و مبارز از وی تقلید می‌کردند. آن فقیه سعید، ابتدا چاپ رساله را ترجیح داد و ظاهراً به عنوان نخستین اقدام، آرا و فتاوی خود را به عنوان حاشیه بر منهج الصالحین مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم تدوین و منتشر کرد و در مقدمه مختصری که به خط خود بر آن نگاشت و اجازه عملی به آن را صادر و مهر کرد، تاریخ آن را (۲۰ ذیحجه الحرام ۱۳۹۵ هـ.ق) مرقوم و اعلام داشت و به این ترتیب، به علاوه امامت جماعت که بعداً آغاز شد، شهید صدر در سالیان جوانی، به عنوان یکی از فقهای عصر و یکی از رجال برجسته مذهب و یکی از مراجع مسلم تقلید و یکی از رهبران فکری، روحانی و سیاسی جهان اسلام وارد صحنه شد و درهای جدیدی از حیات فیاض خود را آغاز کرد و صفحات جدیدی از مکتب آموزنده و حماسه‌آفرین خود را در فقه و جهان،

فی ظرفه لافعلاً و هذا امر ممکن فلو فرض وجود الوصف فی ظرفه فیما بعد یکشف عن ان الموضوع کان تاماً و الحصة الخاصه حاصله و لعله الی هذا ذهب من جعل وصف المتأخر شرطاً ای الموضوع بوصف التحاقه بامر متأخر و هذا الوصف موجود فی الان و ما لا یكون موجوداً فلا یکشف عن وجود ذلك فی ظرفه و المتحصل انه لا نلوی اتی مانع من جعل الحکم علی النحو المذكور...»

این دو سخن استاد عظیم و تهافت میان آنها را که به ذهنم خطور



حضرت حکیم مایل نبود که با دوری محمدباقر صدر از نجف و از استمرار درس و تدریس، او از جهان روحانیت و از علم و فقه فاصله بگیرد، بلکه می‌خواست سید محمدباقر در حوزه علم و فقاقت بماند تا تدریجاً مراتب استعداد علمی، نبوغ فکری و شرع‌مداری و سیاستمداری او آشکار گردد.

کرده بود؛ بر مرحوم شهید صدر عرضه داشتیم که ضمن تأیید اجمالی، اینجانب را مورد نقد و لطف ویژه خود قرار داد و آنچه که برای من موجب مزید خرسندی و لذت بود؛ معارفه بیشتر با آن پیکره علم و فضیلت بود.

□ □ □

یکی از دوستان روحانی اینجانب در نجف اشرف می‌گفت، «روزی برای انجام کاری به منزل و محضر مرجع اعلی و اعظم مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم (قدس سره) رفته بودم. آقای سید محمدباقر صدر نیز به عنوان یک طلبه فاضل و شاغل و جوان به حضور آن مرجع بزرگ آمده بود و اصرار می‌کرد که آن حضرت، او را به عنوان نماینده خود به منطقه (المسیب) اعزام نماید، لکن مرحوم حکیم نمی‌پذیرفت و پاسخ می‌داد که شما باید در نجف بمانید. گویا مرحوم حکیم با آشنایی کامل به اصالت و شرافت دودمان صدر و اطلاع کامل از فضل و کمال و نبوغ و استعداد و دیگر شایستگیهای شهید صدر، آینده درخشان او را پیش‌بینی می‌کرد و نمی‌خواست او از حوزه نجف دور و نجف از وجود او محروم بماند.

گویا حضرت حکیم مایل نبود که با دوری محمدباقر صدر از نجف و از استمرار درس و تدریس، او از جهان روحانیت و از علم و فقه فاصله بگیرد، بلکه می‌خواست سید محمدباقر در حوزه علم و فقاقت بماند تا تدریجاً مراتب استعداد علمی، نبوغ فکری و شرع‌مداری و سیاستمداری او آشکار گردد تا صغیر و کبیر، عرب و عجم، عالم و عامی و پیر و جوان، هر چه بهتر و بیشتر او را بشناسند و در آینده‌ای نه چندان دور، همگان به این حقیقت دست یابند که سید محمدباقر صدر نه روحانی منطقه المسیب و نه حتی عالم کاظمین و یا مرجع نجف که مرجع علمی، رهبر سیاسی، زعیم فکری و انقلابی کل مردم ستمدیده عراق و شیعیان آن دیار خواهد بود.

آری، آیت‌الله العظمی حکیم می‌خواست شهید صدر در نجف بماند و رشد کند و دیگران را رشد بدهد تا در آینده، به عنوان یک پدر روحانی و یک زمامدار اسلامی، پرچم مبارزه علیه ظلم و ستم را برافرازد و علیه حاکمان جبار عراق به پاخیزد و مردم را به سوی حریت، استقلال، ایثار و شهادت رهنمون گردد و جامعه را به سمت اسلام ناب و دین خالص الهی فراخواند. سرانجام نیز چنین شد و پیش‌بینیهای آن مرجع حکیم و بزرگوار جامه تحقق پوشید.

□ □ □



محتوایی، غامض سخن گفتن و استدلال مغلق و پیچیده آوردن است که ما هم در این کتاب غالباً این منبج را مطابق عرف حوزه‌ها برگزیده‌ایم.

۴. ایجاد تحول اساسی در اسلوب و متد بحثهای علمی و انتخاب زبان و عبارات و اصطلاحات لازم برای این منبج جدید را به فرصت دیگری که توفیق آن موقوف به آینده است، واگذار می‌کنیم.

ملاحظه می‌شود که در فکر بکر و اندیشه متعالی شهید صدر یک تحول عمیق و وسیع در اسلوب تدریسی و تألیفی حوزه‌های علمیه و در گزینش اصطلاحات و عبارات هماهنگ با این اسلوب جدید وجود دارد که نه تنها از مجموع آثار و افکار وی که از همین عبارت یاد شده می‌توان پایه و مایه آن را ردیابی کرد و به دست آورد، اما ای کاش آن عالم علیم زنده می‌ماند تا حوزه‌های علمیه



مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم

را از این نوآوری و ابتکار عظیم نیز به صورت مشروح، مفصل و مستقل برخوردار و بهره‌مند می‌کرد و سبک جدید خویش را در تدریس و تألیف برای همه جوامع علمی به نمایش می‌گذارد.

□ □ □

سخن از شهید صدر و آثار و افکار و انقلاب و امامت فکری و سیاسی و علمی و معنوی وی با گفتارها و نوشتارهای کوتاه ما پایان نمی‌پذیرد، مگر آنکه ما خود برای بحث خود پایانی را جستجو کنیم.

نگارنده این مقاله مبحث خود را با کلام متعالی و ماندگار شهید صدر پایان می‌دهم که به ارادتمندان، مقلدان، تلامذّه و کافه رهروان راه نورانی خود خطاب فرموده است:

«ذوبوا فی الامام الخمینی کذاب هو فی الاسلام.» در افکار و مقاصد و آرمانها و انقلاب حضرت امام خمینی (ره) ذوب شوید بدانسان که او خود در اسلام ذوب گردید و همه وجود خود را فدای اسلام کرد و یا اینکه در انقلاب حضرت امام خمینی ذوب شوید، زیرا آن امام کسی است که همه وجودش در اسلام ذوب و فدا شده است و کسی که چنان خویش را فدای اسلام کند، همه باید فدای او شوند که فدا شدن و ذوب شدن در او، همانا قربانی شدن و فدا گردیدن در اسلام است.

پرویزگار! خشم و نفرین و عذاب و انتقام خود را بر قاتلان شهید مظلوم آیت الله العظمی صدر صادر و نازل فرما. بارالها! روح مطهر و منور حضرت امام راحل (قدس سره) و روان ملکوتی آیت الله العظمی شهید صدر (قدس سره) را با ارواح طیبه و نورانی اولیاء اسلام محشور فرما و ما را پیرو راستین آنان قرار ده.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین.
* از دوستان شهید صدر و نماینده استان خوزستان در مجلس خبرگان رهبری.

لوحظ توفرها فی تلک الآراء هی ان تکون نتیجه لاجتهاد احد المجتهدین بقطع النظر عن عدد القائلین بالرأی و موقف الاکثریه منه.»

عظمت روح و اوج فکر و اندیشه، سعه صدر، بهادادان به آراء و افکار دیگران، آگاهی بر نظرات صاحب نظران، اجتناب از مطلق‌گرایی و خودمحوری در این سخن شهید صدر موج می‌زند و بزرگ‌ترین درس علمی و عملی را به دست اندکاران پژوهش و کاوش می‌دهد تا از این بلندنظری وی بهره ببرند.

استاد شهید نه تنها در کشف معضلات علمی و استخراج گوهرهای ذیقیمت از درای بیگران علوم خدادادی، نابغه‌ای چیره‌دست و علامه‌ای عظیم‌الشأن، بلکه امامی مطاع و پیشوایی آگاه است که در روشها و سبکها نیز فردی بی نظیر و یا کم‌نظیر و مبتکری سازنده و معماری فکور و اندیشمند است و این ابتکار



مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی

و سازندگی، خود یکی از مؤثرترین ابزارها و وسایل دست‌یابی به آقایی جدید و نورانی از علم و دانش است. وی در مقدمه کتاب فقہی ارزشمندش (بحوث فی شرح العروه الوثقی - چاپ دوم، ص ۱) می‌نویسد:

«...ان هذا الجزء من هذا الكتاب يعبر فی بحوثه عن ممارسته علمیه... تناولت عدداً من مسائل المیاه من العروه الوثقی بالشرح والاستدلال با سالیب البحث العلمی السائمه و بنفس صیغه التی تعارف علیها علما ثنا الابرار انسجاماً مع الظروف التدریسیه العامه. و واضح لدی و انا الاصح بحوث هذا الكتاب ان اتمنیهج بحاجه الی تطویر اساسی يعطی البحث الفقہی ابعاده الکامله» و پس از چند سطر چنین می‌افزاید:

«...ان الكتاب کما ذکرنا ممارسه تدریسیه قد خضعت لنفس الاعراف المتبعه فی مجال التدریس السائمه من ناحیه المنهج و لغه البحث و التوسع فی الشرح و التوضیح و اتجهت الی تعمیق المحتوی و المضمون کما اتيح لهما ذلک تارکه تطویر المنهج و لغه البحث الی حین تتوفر الظروف الموضوعیه الی تطبیها ذلک...»

آری از این سخن جاودانه شهید صدر (ره) و مفهوم آن به خوبی فهمیده می‌شود که:

۱. کتاب نامبرده استوار است بر روشهای رایج در حوزه‌های علمی برای بحث و تحقیق و بر اساس همان الفاظ و اصطلاحاتی که میان عالمان بزرگوار دین در محدوده تدریس حوزوی موجود و متداول است. مفهوم این کلام آن است که اسلوب یا روشهای دیگری نیز برای افاده همین مقاصد و مباحث وجود دارند. ۲. تا هنگامی که هر طریقه متداول و الفاظ و عبارات معمول، تغییر اساسی نیابند و متحول نشوند، مباحث فقہی، ابعاد و جوانب کامل خود را باز نمی‌یابند.

۳. عرف و منبج متداول موجود، متوجه و متمایل به طرح عمیق

افرادى مجتمع و متجلی می‌گردند، جز آنان که واقفاً اولیاء خدا و مقربان درگاه ربوبی و عباد صالح خداوندی هستند. محبوبیت بی‌نظیر آن شهید بزرگوار تا کنون مجامع قلوب و کرانه‌های دلها را به خود اختصاص داده است و همگان شیفته و فریفته آن رجل الهی بوده‌اند و هنوز دلها به یاد آن فقیه شهید می‌تند و شعله‌های عشق با نام و یاد او زبانه می‌کشند و همه جا با عظمت و بزرگی از او نام برده می‌شود.

گذشته از همه اینها و بسیاری مسایل و مطالب و حقایق دیگر که از حوصله تحریر و تقریر خارج است، از جنبه علمی، فکری، روحی و سازندگی، کتب و آثار سودمند شهید صدر (ره)، آن چنان آکنده از تحقیق و افکار بکر و آرای جدید و نظرات صائبند که هر کس به اندازه وسع علمی خود از آنها بهره‌ور و به تناسب ارزش وجودی خود به این افکار و آراء نیازمند است.

کیست آنکه در یکی از علوم یاد شده تحقیقی کند، مقاله‌ای بنویسد، کتابی بنکارد، مجموعه‌ای تدوین نماید، سخنی و سخنرانی فراهم آورد که محتاج به مراجعه به کتب شهید صدر نباشد و به نظرات عمیق وی ننگردد و به یک یا چند مطلب نفیس از مطالب و آثار شریف او توجه و آنها را مطرح نکند.

□ □ □

کراراً دیده شده است که کتابهایی پیرامون برخی از مسائل و موضوعات نوشته شده‌اند که نگارندگان آنها عنوان «از دیدگاه اسلام» یا «از نظر اسلام» و «منظر اسلام» را پسوند نام کتاب خود قرار داده‌اند. بسیاری از این نوشتارها حتی اگر جنبه شعاری و خطابی هم نداشته و بر مبنای استدلال و استناد تألیف شده باشند، اما این فقط نویسندگان آثار مذکور هستند که از مدارک و منابع مربوطه، اسلامی بودن موضوع مورد نظر خود را استنباط می‌کنند، ولی معلو نیست که نظرات آنان در واقع تا چه اندازه اسلامی هستند و این نویسندگان تا کجا به حقیقت اسلام دست یافته و آراء و افکار خود را بر اسلام تحمیل نکرده‌اند. بدیهی است که باید متناسب با هر یک از این نوشته‌ها و آثار، تحقیق شایسته‌ای صورت پذیرد.

مرحوم شهید صدر که خود فقیه بزرگ و علامه‌ای عالیقدر و آیتی در اسلام شناسی، تحقیق، پژوهش، نوآوری و ابتکار و خلاقیت است، در همه جا و برای همه کس اسوه و الگوست. او در اکتشافات علمی و فکری خویش، خودبینی و خودمحوری نمی‌کند و خویش را حاکم بر مدارک و نصوص شرعی نمی‌بیند. چه بسا نظریه‌ای را هر چند مورد استنباط شخصی خود وی نباشد و یا خود استنباط دیگری داشته باشد، اسلامی معرفی می‌کند که فواید این روش بر فرهیختگان و ارباب تحقیق پوشیده نیست. آن شهید سعید در کتاب اقتصادنا (ص ۱۲۱) می‌گوید:

«الآراء الفیقه الّتی تعرض فی الکتاب لایجب ان تکون مستنبطه من المؤلّف نفسه بل قد يعرض الکتاب لآراء تخالف من الناحیه الفقیهه اجتهاد الکتاب فی المسئله و انما الصّفه العامه الّتی



آیت الله العظمی خویی (قدس سره)، تماس و ارتباط مستمر و مؤکد با شهید صدر داشت و به حق، او را پاره تن و فرزند علمی خود می‌دانست؛ مقامات حال و آینده آن تلمیذ محقق را از ج می‌نهاد و پاس می‌داشت و در برخی از تعبیرات خود، در مناسبت‌های گوناگون، از وی به عنوان «بهترین» و «با یکی از بهترین تلامذّه و اصحاب درس» خود یاد می‌کرد.

